



«خودبسندهی» مهمترین دشمن قرآن محوری است

یک عضو هیئت علمی دانشگاه هنر گفت: خشونت‌ها، طلاق‌ها و بچه‌های بی‌سرپرست و سلاح‌های مرگبار و کشتار جمعی محصول انسان سرگشته است که خود را محور تلقی کرده بدون اینکه باور کند محوری بنام خدا دارد.

یک عضو هیئت علمی دانشگاه هنر گفت: خشونت‌ها، طلاق‌ها و بچه‌های بی‌سرپرست و سلاح‌های مرگبار و کشتار جمعی محصول انسان سرگشته است که خود را محور تلقی کرده بدون اینکه باور کند محوری بنام خدا دارد.

حجت الاسلام علی سرلک، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر در مورد اینکه اگر بخواهیم آسیب‌های فرهنگی جامعه را با توسل به قرآن مجید درمان کنیم چه نکات و محورهایی قابل طرح است؟، به خبرنگار مهر گفت: شاید مهمترین نکته در طبیعت هر بیماری توجه به شخصی باشد که این بیماری و مرض را درمان کند. طبیب بودن را باید در درجه اول برای قرآن قائل شویم. تعبیر خود قرآن این است که می‌فرماید شفاست «وَتُتْلٰ مِنْ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ» (آیه 82/سوره اسراء) مشکل ما این است که هنوز خود را در اختیار قرآن قرار نداده ایم. ما قرآن را قرائت می‌کنیم و می‌خوانیم، چاپ و تفسیر می‌کنیم، اما تلاوت نمی‌کنیم. تلاوت از «ولی یلی» است، یعنی به معنای درپی رفتن و پیگیر بودن است.

وی افزود: آیات قرآن برای ما قرائت می‌شوند در حالی که باید تلاوت شوند. تلاوت یعنی ما بر اساس ظرفیتهای نورانی و الهی تصمیم به ساختن جامعه کنیم اما وقتی به خلأها، حفره‌ها و معضلاتی که در ابعاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی می‌رسیم آن وقت پای حرف و راهنمایی قرآن بنشینیم تا قرآن سخن خودش را با ما در میان بگذارد. اینکه اهل بیت(ع) فرمودند قرآن را به زبان بیاورید یعنی پرسش کنید و مسائلتان را با قرآن در میان بگذارید اما اول جلسات در هیئت دولت، مجلس، قوه قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجموعه‌های دیگر از قاریان در حد بالایی استفاده می‌کنند اما مسائلی که بعد آن پی می‌گیریم به نظر می‌رسد خودمان را بی‌نیاز از قرآن می‌دانیم.

این محقق و کارشناس علوم و معارف اسلامی تصریح کرد: قرآن می‌فرماید: «خزی» دنیا و آخرت برای دیدگاه‌ها و نگاه‌هایی است که «ثُمَّ یَنْعَضُ وَتَكْفُرُ بِنِعْمَتِهِ» (آیه 150 سوره نساء) پاره‌ای از آیات را می‌پذیرند و پاره‌ای از آیات را نادیده می‌گیرند. «تَكْفُرُ بِنِعْمَتِهِ» یعنی اصلاً به سراغشان نمی‌روند یعنی اگر به آنها عرضه شد نسخه‌های شفابخش را جای دیگری ملاحظه می‌کنند، البته این را که گفتم سیاه‌نمایی نشود. جامعه ما بعد از انقلاب اسلامی میل و تمایلش به سمت شفاخانه بودن قرآن رفت منتهی تا این مسئله بیاید و تبدیل به فرهنگ شود و جامعه ما مؤمنانه در ابعاد مدیریتی و سیاسی و فرهنگی‌اش با این موضوع برخورد کند نیاز به کار وجود دارد. بسیاری از ما قرآن را در حد مراسم آئینی یا مسافر از زیر قرآن بدرقه کردن یا به عنوان مهریه عروس یا اینکه از قرآن استخاره بگیریم یا جلوی ماشینمان بگذاریم تا از تصادف جلوگیری کنیم و یکسری از کارکردهای ظاهری و تشریفاتی می‌گیریم البته نمی‌گویم اینها بد است، اما این رفتارها و کارها نشانه انس واقعی با قرآن نیست.

سرلک یادآور شد: مثل این است که شما به یک اقیانوس بیکران و پر از در و حیات و هنر بروید و فقط بایستید و عکس بگیرید. البته عکس گرفتن در کنار اقیانوس زیباست، ولی اصلاً سهم ما از اقیانوس یک عکس گرفتن نیست. به هر حال در یک کلمه باید از قرآن استمداد واقعی بطلبیم. در مراکز دانشگاهی ما علوم که به دانشجویان ما تدریس می‌شود و چیزی که رایج است منابعی را معرفی می‌کنند، تصور بعضی از اساتید این است که خدا بی‌سواد است. قرآن کتابی است که یک‌سری اطلاعاتی را برای خالی نبودن عریضه داده است، اما نمی‌دانند که قرآن کتاب زندگی و هدایت و شفاست. اولین و مهمترین مشکل ما این است که نسخه‌های بیماری را در جاهای دیگر جستجو و پی‌گیری می‌کنیم. بی‌تردید قرآن مثل شمشهای طلاست که باید آن را پردازش کرد آن را به گوشواره، انگو و دستبندی تبدیل کنیم. شمش طلا، گران قیمت است ولی کسی به عنوان زینت و زیبایی و جاذبه زندگی‌اش از آن استفاده نمی‌کند. ما شمش طلا را در مخازن بانکها نگهداری می‌کنیم اما ممکن است مشکل ما از این هم عمیق‌تر باشد. ممکن است در باورمان تصور کنیم که قرآن کریم شمش طلا هم نیست. اولین گام تصحیح نگرش ما به عنوان مخاطبان خدا، در ارتباط این خطاب الهی قرآن است که به تعبیر خدا ذکر و نور است.

این محقق و پژوهشگر مسائل دینی عنوان کرد: اولین و مهمترین گام این است که بیماری خود را به قرآن کریم عرضه کنیم، البته در این میان، حوزه‌های علمیه و مراکزی که به علوم انسانی می‌پردازند نقش و سهم بسیار مهمتری از دیگران دارند. متأسفانه و سوگمندانه باید اعتراف کنیم اکثر دانشجویان و جوانان خوش استعداد ما به سمت علوم غیرانسانی یعنی تجربی و ریاضی می‌روند. باید استعدادهای به سمت علوم انسانی متمرکز شود. قرآن که کتاب انسان و شناخت انسان است باید در سر جای خود قرار گیرد. آن وقت بتوانیم از این منبع بی‌پایان و لایزال الهی استفاده کنیم.

یک عضو هیئت علمی دانشگاه هنر در مورد اینکه آسیب‌هایی مانند افزایش طلاق، بدحجابی، ناهنجاری‌های اجتماعی مانند اعتیاد، خشونت و قتل چگونه از طریق قرآن قابل درمان هستند، هم عنوان کرد: شما دارید راجع به خیابانی با من حرف می‌زنید که در وجود آن در نقشه شهر اشکال داریم. شما دارید درباره کوچه‌های بن بست یعنی طلاق و خشونت حرف می‌زنید. معماری این شهر براساس تفکرات مادی یعنی شهر و روابطی براساس مبنای نگاه انسان محور و اومانیسم طراحی شده است. آن نگاه و آن شهر از روابط از این نگاه بن بست و خیابان‌های بی‌قواره و بدقواره و پر آسب فراوانند. ما می‌گوئیم طراحی زیست جمعی و فردی مان را براساس محوریت خدا و انسان الهی باید جلو ببریم.

وی افزود: خشونت‌ها، طلاق‌ها و بچه‌های بی‌سرپرست و سلاح‌های مرگبار و کشتار جمعی محصول انسان سرگشته است که خود را محور تلقی کرده بدون اینکه باور کند محوری بنام خدا دارد. فکر می‌کند درمان به تفاهم رسیدن درست است ولی نسخه‌های کوتاه مدت است و آن این است که برای مثال به خانواده توجه بیشتری شود که به تعبیر قرآن در درون خانواده آرامش و مودت و رحمت است و مهربانی بین اعضای آن برقرار است اگر چنین باشد حتماً آسیب‌های اجتماعی کم می‌شوند.

این محقق و کارشناس علوم و معارف اسلامی تصریح کرد: ما باید افق نگاه مان به انسان، حیات و زیست و مناسبات اجتماعی او بر مبنای انسانی که محورش خدای متعال است عمق دهیم. مثل این است که شما در جاده خشک و بی‌آب و علف و کوری زندگی می‌کنید و مرتب از من سراغ چشمه‌ها و باغ‌ها را می‌گیرید. می‌گویید پس باغ‌ها و چشمه‌هایش کجاست؟؛ تشنگی به سراغم آمده است؛ در حالی که من دارم درباره جاده جدیدی با شما حرف می‌زنم. می‌گویم شما از یک جاده ای دیگری بروید همه اینها در آن جاده است. اینها به تعبیری سختی ای که در تنگی قفس می‌کشیم کفران نعمتی است که در باغ کرده ایم.

سرلک یادآور شد: ما از فرهنگ قرآن فاصله گرفته ایم، به تعبیر روایات گاهی غیرمسلمانها در عمل کردن به قرآن نسبت به ما پیش افتاده اند. قرآن مجید در بین ما مهجور است «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (آیه 30 سوره فرقان) وقتی بیاییم اینها را از این غربت نجات دهیم و به مسیر درستش برگردیم افراد را از این بیماریهای اجتماعی که بعضی‌هایش واقعاً در حد بحران هم به فضای عمومی آسیب می‌زند درمان می‌کنیم. منتهی صحبت از هر کدام از این آسیبها یک پروژه است برای مثال طلاق و راه‌های درمان آن از نگاه قرآن، بحث مستقلی است. برای مثال راهکارهای خاصه قرآن برای کاهش طلاق یا خشونت چیست که طبیعتاً اینها از موضوع مصاحبه ما خارج است.

این محقق و پژوهشگر مسائل دینی در مورد راه رسیدن به فرهنگ قرآن محور گفت: مهمترین راه این است که خودمان را محتاج قرآن بدانیم. ما ظاهراً احتیاجات خود را از جاهای دیگر برطرف می‌کنیم و ظاهر قرآن را می‌گیریم. باید قرآن را از ظاهر خارج کرد. گاهی اوقات پندار بی‌نیازی داریم، یعنی تصور می‌کنیم که گامهایی که برداشته ایم و وظایفمان را در قبال قرآن انجام داده ایم. درحالی که مبنا انس با قرآن است، انس با قرآن برای فهمیدن راه زندگی. اینکه در روایات آمده که اگر مسلمانی روزانه 50 آیه از قرآن نخواند جزو غافلین است باید مراجعه به قرآن کنیم. منزلتش منزلت، مراجعه است منزلت طبیعی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه هنرادمه داد: کسی که بیمار است حداقل باید کلیات درد خود را ببذیرد و به سمت آن حرکت کند. باید به قرآن مراجعه کنیم و قرآن را واقعاً در زندگی خود وارد کنیم. اینکه در روایات آمده وقتی امام زمان(عج) ظهور می‌کنند زن‌ها در خانه تفسیر و احکام الهی را از قرآن استخراج می‌کنند، یعنی ظرفیتی وجود دارد که ما از این ظرفیت مقداری فاصله گرفته ایم. مهمترین دشمن قرآن محوری، تفکر مدرنیته است، البته تفکری که ابزارش مدرنیته و تکنولوژی است. مدرنیته را نباید با تکنولوژی و تفکری که انسان را از محوریت خدا و قرآن دور کرده اشتباه گرفت. بزرگترین بلایی که در این 200 سال اخیر بر سر انسان آمده این است که خودبستگی کرده و نیازش به خدای متعال را کم کرده و خود را در حیات مادی و عادی تنزل داده است.

وی افزود: به تعبیر قرآن مجید «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (آیه 82 سوره اسراء). قرآن می‌گوید بهره خودش را دریغ خواهد کرد و طبعاً آدمهایی که قرآن را محور قرار نمی‌دهند و فرهنگ قرآن محوری را اصالت نمی‌دهند، حتماً باید خسارتهایش را هم ببپذیرند. به تعبیر مولوی تصور انسان حاضر این نیست که او را از قرآن بریده اند و نوای غریبی می‌دهد. نوایی که «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش»، تفکری به انسان نمی‌دهد که از اصل خودت دور مانی و راه بازگشتی نداری. این تفکر، بزرگترین دشمنی را در حق بشر داشته است. واقعاً رذالته‌ها، خباثت‌ها و خشونت‌ها و همه نتیجه گیری‌های عملی این تفکر است که امیدوارم حداقل آن را درست بشناسیم و به اندازه نسبت به آن خود را واکسینه کنیم و خودمان را در امان قرار دهیم.

حجت الاسلام سرلک تصریح کرد: البته قرآنی که راجع به آن حرف می‌زنیم منهای اهل بیت(ع)، قرآن منهای قرآن است. قرآنی که راجع به آن صحبت می‌کنیم معلمان آن اهل بیت(ع) هستند. قرآن منهای اهل بیت(ع) قرآن واقعی نیست. یکی از فریبهای بزرگی که بر مسلمان رفته این است که گمان کرده «حسبنا کتاب الله» یعنی کتاب خدا برای بندگانش به معنای خاص کلمه کافی است. اگر اهل بیت(ع) کنار این کتاب باشند معنا دارد. همان اتفاقی که الان در جهان اسلام افتاده و اوج آن در عربستان است که کتاب قرآن با زیباترین شکل چاپ می‌شود و کعبه محل نزول قرآن و وحی در آنجاست اما سیطره صهیونیسم و آمریکا بلامنازه است و با اشارات جریان کفر حاکمان آنها عوض می‌شوند و مسلمات اسلام را هم نادیده می‌گیرند، اما ما راجع به قرآنی که اهل بیت(ع) مزوج و درآمیخته با آن هستند صحبت می‌کنیم. برابر سخن رسول الله(ص) تقلین یعنی کتاب و عترت از هم جدایی حقیقی و ماهوی ندارند.